

## ■ روح‌القدس، انتقادی‌ترین روزنامه دوره مشروطه در ایران

رامین رسول‌آف

### ■ چکیده

هدف این مقاله، درصدد نشان دادن دیدگاه‌های انتقادی روح‌القدس نسبت به مستبدان و عوامل وابسته به استبداد در مملکت ایران در دوره مشروطه می‌باشد.

روش این مقاله با استفاده از منابع اصلی تاریخ و بر پایه بهره‌گیری از مطبوعات تنظیم و از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. روح‌القدس، یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های دوره مشروطه است که توسط شیخ احمدترتبی (سلطان‌العلمای خراسانی) از ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ / ۱۲ مرداد ۱۲۸۶/۵ اوت ۱۹۰۷ در تهران منتشر شد و انتشار آن تا کودتای محمدعلی‌شاه قاجار ادامه یافت.

فرضیه: میزان و نحوه انعکاس مطالب انتقادی نسبت به مطالب غیر انتقادی در محتوای سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه روح‌القدس بیشتر است. میزان و نحوه انعکاس نقد نظام سیاسی در محتوای سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه روح‌القدس نسبت به سایر موارد بیشتر است. میزان و نحوه انعکاس جهت انتقادی سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه روح‌القدس بیشتر شامل وزراء است. یافته‌ها: عمده محورهاى انتقادى روزنامه، پیرامون سه موضوع اساسی شخص محمدعلی‌شاه، وزراء و به خصوص میرزاعلی‌اصغر خان اتابک، درباریان و عوامل وابسته به استبداد بوده است.

کلیدواژه‌ها

استبداد / روح‌القدس / محمدعلی‌شاه / مشروطیت

### تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و سوم، دفتر سوم، (پائیز ۱۳۹۲)، ۷۰-۸۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲۱ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۷

# روح القدس، انتقادی‌ترین روزنامه دوره مشروطه در ایران

رامین رسول‌آف<sup>۱</sup>

## مقدمه

اسناد و مدارک برجای مانده از گذشته، منابع اطلاعاتی ارزشمندی برای شناخت تاریخ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی جامعه است. در این میان، نقش مطبوعات، به دلیل انعکاس و تحلیل و گزارش مستمر رویدادها و ارائه تصویری از سیر تحولات جاری اهمیت ویژه‌ای دارد. تا آنجاکه هر تحلیلگر مطالعات تاریخی برای مطالعه موضوع‌های مربوط به هر دوره و همچنین، بررسی سیر تحول در هر زمینه، ناگزیر از مراجعه به مطبوعاتی است که در آن دوره منتشر شده است. مطبوعات ایران، قبل و بعد از انقلاب مشروطه، تنها ابزار ارتباطات نوین بودند که بسیاری از روشنفکران و انقلابیون، عقاید و افکار خود را از طریق آن منعکس می‌کردند و به‌طور منظم مردم را در جریان اطلاعات و افکار مختلف قرار می‌دادند.

یکی از مؤثرترین و مهم‌ترین مطبوعات دوره مشروطه، روزنامه روح القدس است که توسط شیخ احمد تربتی (سلطان‌العلمای خراسانی) منتشر می‌شد.

از زندگی و روزگار جوانی و کودکی و تحصیل شیخ احمد تربتی، معروف به سلطان‌العلمای خراسانی و مشهور به روح القدس، اطلاع چندانی برجای نمانده است. وی، در تربت حیدریه متولد شد و تا سن ۲۹ سالگی به تحصیل زبان عربی، ادبیات، و علوم اسلامی و علوم رایج زمان پرداخت و استادان او، پدر و روحانیان و علمای محلی در تربت و نواحی مجاور بودند (قاضی زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲). وی در ادامه، به تهران آمد و در مدرسه صدر به صورت طلبگی زندگی کرد.

۱. کارشناس ارشد تاریخ، مری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم، جهرم، ایران  
Ramin257@yahoo.com



وی، در کشاکش انقلاب مشروطه، روزنامه‌نگاری فعال و آگاه بود و همانند میرزا جهانگیرخان شیرازی یکی از مدیران روزنامه‌ی *صور اسرافیل*، بی‌پروا حقایق را می‌نوشت و با نهایت شهامت بر سر عقاید خود ایستادگی می‌کرد تا اینکه به‌همراه میرزا جهانگیرخان شیرازی، به‌دست عوامل وابسته به استبداد در باغ‌شاه به‌شهادت رسید.

## بیان مسئله

بررسی اجمالی تاریخ مطبوعات در ایران نشان می‌دهد که به‌دلیل حکومت بلامنازع استبداد و خودکامگی پادشاهان قاجار، از ابتدای نحوه‌ی شکل‌گیری و رشد مطبوعات در کشور، روزنامه‌ها منطبق بر تئوری ژورنالیسم استبدادی انتشار یافته‌اند و وزارت انطباعات با اعمال ممیزی و سانسور، زمینه‌ی فعالیت‌های مطبوعاتی را به‌طور کلی محدود کرده بود و مطبوعات در ایران تنها محدود به چند نشریه‌ی دولتی و محلی می‌شدند که شمارگان نشر آنها به‌زحمت به‌هزار نسخه می‌رسید و اغلب با حمایت دربار، با مطالبی ملال‌آور و تنها به گزارش‌های محدودی از اوضاع داخلی می‌پرداخت و گاهی هم با اخبار خارجی همراه بود.

به‌بیان دیگر، انتشار نخستین روزنامه در ایران، به‌نام *کاغذ/اخبار*، در دوره‌ی محمدشاه قاجار و با مدیریت میرزا صالح شیرازی، هرچند ناشی از نیازهای زمان بوده است، به‌دلیل اینکه از سوی حکومت وقت و به‌منظور نشر افکار زورمداران به‌وجود آمده بود، به‌هیچ‌وجه نتوانست پایه‌گذار مطبوعاتی پیشرو و زنده در جامعه‌ی ایران آن دوران باشد. چاپ دومین روزنامه، یعنی *وقایع/اتفاقیه* هم که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و در دوران صدارت امیرکبیر انتشار یافت، دقیقاً با همان هدف انجام گرفت.

اما پس از پیروزی انقلاب مشروطه تا کودتای محمدعلی شاه، که دوره‌ی نخست انقلاب مشروطه می‌باشد، نخستین فرمان آزادی بیان از طرف مظفرالدین شاه قاجار در تهران صادر شد و با تشکیل نخستین دوره‌ی مجلس شورای ملی در تهران، طرح قانون اساسی تنظیم شد و سانسور مطبوعات که تا آن زمان از طرف دولت متداول بود، لغو شد و وزارت انطباعات به‌عنوان کارگزار سانسور و اختناق مطبوعاتی منحل گردید و به‌دنبال آن مطبوعات از آزادی لازم برخوردار شدند. طبق موازین جدید، از این پس، هر ایرانی قادر بود امتیاز روزنامه تقاضا کند و در محیط آزاد به‌بیان عقاید خود بپردازد. با شکل‌گیری مطبوعات مردمی و مستقل و ظهور نویسندگان و روزنامه‌نگارانی که به‌منافع جامعه و مردم کشور خود توجه داشتند، مطبوعات به‌تدریج توانستند جایگاه ویژه‌ای در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی بیابند و بدین ترتیب، تعداد قابل‌توجهی روزنامه‌های مستقل و غیردولتی در داخل کشور انتشار یافتند. اما از بین روزنامه‌های متعددی که در این دوره وارد عرصه‌ی مطبوعات ایران شدند، روزنامه‌ی

روح‌القدس به همراه صوراسرافیل و مساوات از بقیه مهم‌تر و تأثیرگذارتر بودند. در این میان، روح‌القدس، روزنامه انقلابی و مبارزی بود که پس از پیروزی مشروطه‌خواهان در پذیراندن خواسته‌های ملی و مردمی خود به محمدعلی شاه، قدم گذارد. نخستین شماره این روزنامه در تاریخ دوشنبه ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ در تهران انتشار یافت. این روزنامه دارای چهار صفحه به قطع ۶۵×۱۱ بود و به کشورهای دیگر چون روسیه نیز فرستاده می‌شد (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۱۶).

گستاخی و شهامت قلم سلطان‌العلمای خراسانی، مدیر و صاحب امتیاز روح‌القدس، از همان جملات زیر سر لوحه روزنامه به خوبی پیداست: «جریده ایست آزاد، علمی و سیاسی و پولیتیکی بحث مینماید و ابداً شئونات و عناوین ظاهری مانع از اظهار مطالب نخواهد بود»<sup>۱</sup>. روح‌القدس، که جنبه انتقادی شدیدی داشت، بی‌پروا از مظالم حکام و ستم‌های مستبدان و حتی شاه یاد می‌کرد و با واپس‌گرایی و تاریک‌اندیشی، به مبارزه برمی‌خواست. سرنوشت ناگوار او در بند و شکنجه شدن، همانند میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل، نمایانگر میزان نفرت و کینه نظام استبداد، شاه و قزاق و درباری و مرتجع از وجود چنین روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه و دلیر است (کهن، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۶).

### پیشینه پژوهش

بدیعی (۱۳۷۷)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای ۱۰ روزنامه تهران» کلیه مطالب چاپ شده در ۱۰ روزنامه تهران شامل ابرار، اطلاعات، تهران‌تایمز، جمهوری اسلامی، جهان اسلام، رسالت، کیهان، کیهان‌ایترنشنال، و همشهری را در سال ۱۳۷۳ مورد بررسی و تحلیل قرار داد. براساس نتیجه‌گیری محقق، توجه بسیار به رویداد گرایی و توجه ناچیز به موضوع‌ها و مسائل جامعه، با توجه به تعدد منابع ارتباطی در دنیای امروز، باعث خواهد شد که روزنامه‌نگاری کشور در آینده با بحران مواجه شود. تهیه گزارش، مقاله، تفسیر، و اظهار نظر در مورد رویدادها امری است که در روزنامه‌نگاری کشور اهمیت لازم را پیدا نکرده است.

محسنیان‌راد (۱۳۷۵)، در تحقیقی با عنوان «بررسی مقایسه‌ای ارزش‌های القا شده در سر مقاله‌های روزنامه‌های مشروطیت و روزنامه‌های ابتدای انقلاب اسلامی» مشخصه‌های اجتماعی دوره مشروطه و انقلاب اسلامی را براساس رویدادهای منعکس شده در سرمقاله‌های روزنامه‌های مورد بررسی - که شرایط اجتماعی آن زمان را منتشر می‌کردند - تشریح کرده است. نتایج این بررسی نشان‌دهنده این است که درحالی که در انقلاب مشروطه ۲/۱ درصد از ارزش‌های مثبت معطوف به غرب بوده، در انقلاب اسلامی

۱. این عبارت در زیر سرلوحه صفحه نخست همه شماره‌های روح‌القدس درج شده است.



چنین موردی دیده نشده است. از سوی دیگر، در انقلاب اسلامی، ارزش‌های مثبت در مورد مناطق کشور و اقوام ایرانی (کردستان، آذربایجان، و جز آن) دیده شده که در انقلاب مشروطه چنین چیزی مشاهده نشده است.

حاجیلری (۱۳۷۶)، پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی ارزش‌های اجتماعی مردم ایران در مطبوعات ایران در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵» انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان داد که همه روزنامه‌های مورد بررسی در این پژوهش (کیهان، اطلاعات، جمهوری اسلامی، همشهری، و سلام) با تغییراتی مواجه بوده و در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۰ از میزان انعکاس مقولات ارزشی، دینی، مذهبی، مبارزه، شهادت، انقلاب و انقلابی‌گری، معنویت، عبادت، ریاضت‌طلبی و دنیا‌گریزی، و حمایت از مظلومان جهان کاسته شده و بر مقوله‌های سازندگی و پیشرفت اقتصادی و اخلاقی، رفتار اسلامی و اجتماعی، استقلال سیاسی و فرهنگی، وطن‌دوستی و صفات ملی، و رفاه و آسایش افزوده شده است.

بهرامپور (۱۳۷۹)، در مقاله «غیرسازی در نشریات حزبی» نقش و جایگاه هریک از نشریات حزبی را در طرح مسائل و موضوع‌های اساسی جامعه مورد بررسی قرار داده و سعی کرده است پیشنهادها، نظرها، و گفتمان‌های نشریات غربی را در مورد موضوع‌های مهمی که در مدت زمان معینی در جامعه رخ داده‌اند، مشخص نماید. در کل، نتیجه‌گیری محقق این است که هریک از نشریات حزبی مورد بررسی در طرح موضوع‌های حاد سیاسی از گفتمان ثابتی پیروی کرده و تمامی مطالب و موضوع‌های سیاسی مورد بحث را در آن چارچوب منتشر کرده‌اند. از میان نشریات مورد بررسی، نشریه شما، یالثارات، و جام هفته در صدد بازتولید گفتمان آمریت و اقتدارگرایی بوده‌اند و در مقابل، نشریات مشارکت، عصر ما، و همبستگی با همه تفاوتی که دارند از بینش واحدی به نام جامعه مدنی و تکتگرایی پیروی کرده‌اند.

بروجردی‌علوی (۱۳۷۹)، در رساله دکتری خود با عنوان «مطبوعات، روشنفکران و جامعه - بررسی نقش عوامل سیاسی، اجتماعی بر حضور نخبگان در مطبوعات» به منظور پاسخ به دو سؤال اساسی رساله خود درباره تأثیر شرایط سیاسی - اجتماعی بر حضور روشنفکران در مطبوعات و تأثیر حضور روشنفکران در مطبوعات بر توسعه‌یافتگی جامعه، مطبوعات ایران را در سال‌های ۱۲۸۵، ۱۳۰۸، ۱۳۳۱، ۱۳۵۴ و ۱۳۷۷.ش. مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق وی پیرامون تأثیر شرایط سیاسی - اجتماعی بر حضور روشنفکران در مطبوعات، نشان می‌دهد که در شرایط انبساط سیاسی و وجود آزادی، روشنفکران، عرصه مطبوعات را تجلی‌گاه نقد و چالش خود قرار می‌دهند و از حاشیه به متن می‌آیند؛ به طوری که در سال‌های ۱۲۸۵، ۱۳۳۱، و ۱۳۳۷.ش. به دلیل وجود فضای

باز سیاسی و آزادی، شاهد تعدد مطبوعات منتقد نسبت به قدرت و حضور روشنفکران در عرصه مطبوعات هستیم و در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۵۴ ش. مطبوعات، غیرسیاسی و روشنفکران، گوشه‌نشین شده‌اند. همچنین، نتایج تحقیق وی درباره تأثیر حضور روشنفکران در مطبوعات بر توسعه‌یافتگی جامعه نشان می‌دهد که حضور روشنفکران در مطبوعات، کمکی به توسعه‌یافتگی جامعه نکرده است. بدین صورت که دوره‌های کوتاه آزادی مطبوعات و آزادی‌های سیاسی و بازگشت دوباره انسداد، مبین آن است که جریان روشنفکری نتوانسته است نقش مؤثری در ماندگاری و استمرار دوره‌های آزادی مطبوعات داشته باشد، به طوری که پس از دوره‌های کوتاه آزادی، شاهد تعطیلی وسیع مطبوعات و انسداد سیاسی بوده‌ایم.

تیموری (۱۳۸۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیل محتوای پوشش رسانه‌ای بحران افغانستان در روزنامه‌های جمهوری اسلامی، حیات نو، کیهان، نوروز، ۲۱ شهریور تا ۳۰ آذر ۱۳۸۰» جمعاً ۳۲۸ شماره از روزنامه‌های مذکور را با استفاده روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که روزنامه حیات نو با ۲۶/۸ درصد فراوانی، بیشترین پوشش خبری را به خود اختصاص داده است. روزنامه نوروز با ۲۶/۴ درصد، روزنامه جمهوری اسلامی با ۲۶ درصد، و روزنامه کیهان با ۲۰/۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین، روزنامه‌ها برای پوشش خبری بحران افغانستان از عکس به مقدار ۶۴/۹ درصد استفاده کرده و در توصیف وقایع بحران افغانستان، بیشتر به مبارزه باتروریسم با ۳۳/۴ درصد پرداخته‌اند. در پایان، باید افزود روزنامه‌های جمهوری اسلامی و کیهان، برای برقراری رابطه با آمریکا، با استفاده از بحران افغانستان، موضع‌گیری منفی داشته، در حالی که روزنامه‌های حیات نو و نوروز موضع‌گیری مثبت داشته‌اند و روزنامه‌های جمهوری اسلامی و کیهان روند حمله نظامی آمریکا را برای آینده افغانستان منفی ارزیابی کرده‌اند، در حالی که روزنامه‌های حیات نو و نوروز حمله نظامی آمریکا را برای آینده افغانستان مثبت ارزیابی کرده‌اند.

فدائی (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان «روزنامه مجلس، نخستین روزنامه ملی دوران مشروطیت» اهمیت این روزنامه را در انعکاس تحولات مجلس پس از به توپ بسته شدن آن، فرمان مظفرالدین‌شاه مبنی بر تأسیس روزنامه، زندگی سیاسی و اجتماعی مدیر و سردبیر روزنامه را مورد بررسی قرار داده است. همچنین، در این تحقیق، مشخصات روزنامه به تفکیک هدف، موضوع، سادگی، دوره تناوب، حق اشتراک، مبادله، نمایندگی، و نحوه مکاتبه آورده شده است.

محقق، در نتیجه‌گیری نوشته است: آنچه در این مقاله آمده، تصویر کوچکی از محتویات

روزنامه مجلس و در واقع تأکید بر اهمیت بررسی تاریخ کشور از زبان مطبوعات است. در بین مطبوعات، آنهایی که به منابع و مراکز قدرت دسترسی بیشتر دارند، طبعاً حاوی اطلاعات بیشتری هستند. نشریات، از آن رو که باید نشان دهنده نگاه بی‌غرضانه به اوضاع و احوال و بیانگر خواست‌های اجتماعی باشند، در تحقیقات تاریخی بسیار مؤثرند. همچنان‌که در زمان حیاتشان هم، در احقاق حق مردم یا دست‌کم نمایاندن انتظارات و توقعاتشان سهم بسیاری دارند.

### پرسش‌های پژوهش

این مقاله در صدد است که به پرسش‌های زیر جواب دهد:

۱. میزان و نحوه انعکاس مطالب انتقادی محتوای سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه روح‌القدس چگونه بوده است؟
۲. میزان و نحوه انعکاس ساختار اهداف مطالب در محتوای سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه روح‌القدس چگونه بوده است؟
۳. میزان و نحوه انعکاس جهت انتقادی مطالب در محتوای روزنامه روح‌القدس چگونه بوده است؟

### فرضیه‌های پژوهش

۱. انتظار می‌رود که میزان و نحوه انعکاس مطالب انتقادی نسبت به مطالب غیرانتقادی در محتوای سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه روح‌القدس بیشتر باشد.
۲. انتظار می‌رود که میزان و نحوه انعکاس نقد نظام سیاسی در محتوای سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه روح‌القدس نسبت به سایر موارد بیشتر باشد.
۳. انتظار می‌رود که میزان و نحوه انعکاس جهت انتقادی سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه روح‌القدس بیشتر شامل وزراء باشد.

### روش پژوهش

در این تحقیق از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا، یکی از روش‌های علمی تحقیق است که برای آن تعاریف گوناگونی ارائه شده است. کلی‌ترین تعریفی که در همه رشته‌های علوم اجتماعی کاربرد دارد، تحلیل محتوا را طبقه‌بندی، تلخیص، تحلیل، تفسیر، و نتیجه‌گیری از نوشته‌ها، اعلامیه‌ها، کتاب‌ها، نشریات عمومی یا دولتی، پیام‌های رادیو و تلویزیون، و سخنرانی‌ها به منظور پی بردن به تمایلات، خط‌مشی‌ها، نظرها

و عقاید گوینده، نویسنده یا سازمان مورد بررسی می‌داند. برنارد برلسون، محقق مشهور آمریکایی و از پیشگامان روش تجزیه و تحلیل محتوا، معتقد است که تحلیل محتوا، شیوه تحقیقی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. در این تحقیق تلاش شده است که محتوای متون سرمقاله‌ها و مقاله‌های انتقادی روزنامه روح‌القدس، که بیانگر ویژگی‌های مطبوعاتی و درونمایه‌های فکری روح‌القدس است، بررسی شود. مزیت این روش آن است که می‌توان به کمک آن برداشت نسبتاً واقع‌بینانه‌ای از متن به دست آورد و محتوای متون مختلف در زمان‌های گذشته را ارزیابی نمود و به خصوصیات اجتماعی و فرهنگی آن روزها پی برد. برای تحلیل محتوای روزنامه روح‌القدس، ابتدا کلیه سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه در دوره حیات مطبوعاتی آن ارزیابی شد. به این ترتیب که موضوع‌های درج شده در ۲۸ شماره روح‌القدس که در بر گیرنده همه سرمقاله‌ها و مقاله‌های تمامی شماره‌های این نشریه در مدت انتشار بودند، بررسی شد. پس از این مرحله، که تصویری کلی از روزنامه روح‌القدس ارائه می‌دهد، برای دستیابی به برخی شاخص‌های کیفی، محتوای سرمقاله‌ها و مقاله‌های روح‌القدس تجزیه و تحلیل شد. در این بررسی ابتدا، فراوانی موضوع سرمقاله‌ها و مقاله‌های نشریه و پس از آن جهت‌گیری انتقادی نشریه، مورد محاسبه و تحلیل قرار گرفت.

### روح‌القدس انتقادی‌ترین روزنامه دوره مشروطیت

با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان محورهای انتقادی روح‌القدس را به سه موضوع اساسی زیر تقسیم بندی کرد:

۱. انتقاد از شخص محمدعلی شاه،
۲. انتقاد از وزراء و به خصوص میرزا علی اصغر خان اتابک، و
۳. [انتقاد از] عوامل وابسته به استبداد.

#### ۱. انتقاد از شاه و عوامل وابسته به استبداد

محمدعلی شاه، هنگامی بر تخت پادشاهی نشست که ایران کشوری مشروطه و دارای قانون اساسی و مجلس شورا بود و روزنامه‌های درون‌مرزی و برون‌مرزی، ستایش‌نامه‌ها



در حق پدر او به چاپ می‌رساندند. بخشی از این تعریف و تمجیدهای گزاف پیامی بود که ایرانیان به شاه جدید می‌دادند تا مشروطه‌ای را که پدرش پذیرفته بود پاس بدارد، زیرا بسیاری از مردم، به‌ویژه آذربایجانی‌ها، خوی خودکامه او و اطرافیانش را می‌شناختند. روح‌القدس، با توجه به روحیه انتقادی و شهامت خارق‌العاده‌ای که داشت از همان شماره نخست در صدد نصیحت‌های توأم با انتقاد از شخص محمدعلی شاه و نشان دادن فرجام شوم شاهان بدکردار به وی بود و قصد داشت با یادآوری رویدادهای خونین و انقلابی اروپا به شاه و دربار و هواداران آنان هشدارهای اساسی بدهد.

روح‌القدس، در شماره «با» به‌عنوان نصیحتگر دلسوز، خطاب به شاه چنین نوشت:

«... اعلیحضرتا بحقوق انسانیت قسم است که امروزه گوش به حرفهای مهمل خائنان دولت دادن [۱] ایران و ایرانیان به باد دادن است. شهریارا بمفاد آیه شریفه (وَلَمَّا أَتَبَعَتْ أَهْوَانَهُمْ بَعَدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ) هرآنچه ناصح مشفق بگویدت بپذیر، بر خاطر مبارکت پوشیده نیست که مملکتی بباد نرفت مگر به واسطه وزراء خائن، تاجداری بی‌تخت و تاج نشد مگر بجهت امناء خائن، انشاءالله تاریخ ژول سزار روم از نظر مبارکت گذشته و کشته شدن شاهنشاه شهید از نظر شریف محو نشده، لابد بعد از تعمق در سرگذشت و داستان سلاطین سابقه درک خواهد شد که سوء خاتمت هرپادشاهی برای حمایت پیش‌کاران خائن بوده [و] شخص مقدس سلطان خود را با بی‌گناهی و تنزه ذات گرفتار کیفر و نکال کارگذاران خائن نموده...» (شماره با، ص ۲).

همچنین، در مقاله دیگری ضمن نصیحت به پادشاه، وی را از اطرافیان خائنی که دور او جمع شده و فقط به فکر منافع شخصی خود هستند بر حذر داشته و تمام مسائل و مشکلات مملکت را به خاطر وجود اطرافیان خودکامه و بی‌لیاقت دانسته است:

«شهریارا (هرآنچه ناصح مشفق بگویدت بپذیر) به مشروطیت قسم (وَأِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ) ما را دایه حقیقی جز بمشروطیت ناف نبریده و از مؤذن بانگی جز تلقین مشروطیت گوش ما چیز پرا نشنیده (باشیراندرون شد و باجان بدر شود) از حرف حق گفتن نترسیم و از تذییر و تبشیر پادشاه نهراسیم - پادشاه و رعیت چون لازم و ملزوم یا جسم و روحند. نه رعیت را بی‌پادشاه زندگی کاملست و نه پادشاه را بی‌رعیت شاهی حاصل، حقوق ملتی ملت را پایمال ننما تا مالک‌الملوک حقوق شاهیترا پامال ننماید - اگر شاهرا حق سلطنت در این خاکست، ملت را حق آب و خاک در این ملکست - مطالبه حقوق، فریضه ذمت است و اداء حقوق، پاکی طینت (أَحْسَنُ كَمَا أَحْسَنُ اللَّهُ إِلَيْكَ) شاهنشاهای این اشخاصی که دور اریکه سلطنت جمع شده‌اند قاتلان جد و پدر شهریار پادشاه و تاجداران ماضی و مستقبل ما هستند، نه پادشاهرا دوستی دارند و نه دشمنان شاه را دشمنی، گر گانی باشند به لباس میش و بیگانگانی



هستند بصورت خویش، شهوات نفسانیرا طالبند و منافع شخصی را جالب، نه کلاه وطن نگهداریشان در سر است و نه پیرهن شاه‌پرستیشان در بر کاهی، دولترا مثل آستانه رضوی مقروض همسایگان میکنند و زمانی مملکت را به بیگانگان می‌دهند. یوسف وطن را به ثمن بخش می‌فروشند و جامه ذلت و ننگ بر قامت سلطنت می‌پوشند، نه شهریرا برای شهریار خود گشودند و نه فتح قلعه برای کوتوال شان نمودند، قفقاز بباد دادن سجیتشان شده و امتیاز به اجانب دادن عادتشان گردیده، شیرانند برای دریدن دوستان، روبه‌انند در چنگال دشمنان، سپهداری و وزیر جنگی شان چیز نیست معدوم- سرتیپی و سرهنگی شان امریست موهوم- پس از این هواخواهان بوی خیری نیاید و به هیچ قسم اعتماد برایشان نشاید...» (روح‌القدس، شماره ۱۰، ص ۲).

روح‌القدس، با توجه به انتقادهای شدیدی که داشت، طی دوره انتشار بسیار کوتاه خود دوبار توقیف شد که نخستین توقیف آن، محاکمه مطبوعاتی از طریق وزارت دادگستری (عدلیه) را در تاریخ سانسور روزنامه‌نگاری ایران در پی داشت. سرمقاله معروف «نطق غیبی یا اشاره لاریبی» خود به‌تنهایی، نمایانگر ماهیت فکری و مبارزاتی گردانندگان این روزنامه در برخورد با استبداد است. در این سرمقاله، که در شماره سیزدهم به چاپ رسیده است، پس از شرح نابسامانی‌های مملکت، شخص محمدعلی شاه مورد حمله قرار گرفته و از اعمال ضد مشروطه وی انتقاد شدید شده است.

در ابتدای این سرمقاله، نویسنده به بررسی اجمالی تاریخ ایران پرداخته و اسما و اعمال شاپورساسانی و دیگر پادشاهان بزرگ ایران را تذکر می‌دهد که در نبردها و فتوحات خود امنیت جان و مال اتباع خویش را در نظر می‌گرفتند. به عقیده نویسنده، فساد تأسف‌بار از زمان ظهور سلسله قاجار آغاز شد و در زمان سلطنت فتحعلی شاه و محمدشاه، ایران سرزمین‌هایی را از دست داد.

نویسنده سپس چنین ادامه می‌دهد: «... دور سلطنت که به ناصرالدین شاه رسید، ورق برگشت، ستاره بدبختی ملت طالع شد. جماعت تن‌پرور پست‌فطرت بی شرف معاون قوه باطنی سلطان شدند، رذالت ذاتی را ظاهر ساختند، دست تعدی به ودائع پروردگار گشودند، جان و مال ملت مظلومه را قسمت کردند- ابتدا جهت تحصیل پارک و کالسکه و مبل اطاق مثل دزدان اموال ملت را به غارت بردند و قطعه قطعه، خانمان رعیت را به اجانب فروختند... عاقبت سلطان-المستبدین باریس الخائنین، گرفتار آه ملت مظلومه شده هر دو هدف گلوله وطن پرست غیبی گشتند...» (روح‌القدس، شماره سیزدهم، ص ۲).

نویسنده، پس از سخنانی چند در ستایش مظفرالدین شاه فقید که مشروطیت را اعطا نمود، به این مسئله می‌پردازد که چگونه از زمان به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه، اوضاع

بدتر از بد شده تا آنجا که نه تنها مردم غارت، بلکه نابود گردیدند، درحالی که سرزمین ایران هم به اشغال دشمنان و بیگانگان درآمد. روح القدس، تهاجم ترکان عثمانی به آذربایجان و غارت این سرزمین توسط آنها و خلاف کاری‌ها و خونریزی‌های مقامات ایرانی همچون اقبال السلطنه، وزیر نظام، و جهان‌شاه‌خان را متذکر می‌شود و سپس شاه را خطاب قرار داده و چنین می‌نویسد: «... خوب است قدری از مستی سلطنت به هوش آمده، چشم باز کرده نظری به دولت خود و باقی دولتها بنمایی - آیا تمام سلاطین عالم از وظیفه و شغل خود خارج شده مشغول قصابی گشته‌اند؟ یا تمام ملل عالم مثل ملت بخت برگشته ایران اسیر ظلم و شهوات نفسانی پادشاه خود هستند؟ ندانم چه باعث شده که تمام ممالک رو به آبادی و وسعت خاک و ازدیاد نفوسند، جز ایران که هر سال و ماه قطعه‌ای از خاکش قسمت دیگران و نفوسش طعمه گرگان و آبادیش مبدل به خرابی می‌شود...» (روح القدس، شماره ۱۳، ص ۲).

سپس، از محمدعلی شاه می‌پرسد که چرا چنین از حکومت مشروطه بیزار و دل‌باخته حکومت مطلقه است، درحالی که می‌بیند که چگونه ملت‌های آزاد چون انگلستان و ژاپن به سعادت رسیده و چگونه حکومت خودکامه روسیه عاجز گشته است. نویسنده ادامه می‌دهد:

«مگر ممکن نیست که داستان لویی شانزدهم در این مملکت اتفاق بیفتد. زیرا که (ان الله عزیز ذو انتقام)

سر شب سر قتل و تاراج داشت سحر که نه تن سر نه سر تاج داشت  
مگر یقین نکرده که از خون فدایی نمره (۴۱) فدایی بزرگتر برای بزرگتر از کار آن  
فدایی تولید شده و منتظر اتمام حجت است؟ به نظر و فراست سلطانی باید فهمیده و درک  
نموده باشد که با ماران و افعیان ظاهر خوش خط و خال، باطن پر زهر، قتال بازی کردن  
جایز نباشد و خلوت کردن و مصلحت بینی نمودن از دزدان این ملک و نمایندگان اجانب،  
صلاح نیست؟ زیرا که دزد، بازار آشفته می‌خواهد و بیگانه منفعت خویش می‌طلبد. البته  
فهمیده است رعیت را از رعیتی این دولت و دیگر دولت فرقی نیست، بلکه ذلتشان مبدل  
به عزت می‌شود. اما با تسلط اجانب، سلطنتی برای شاه باقی نمی‌ماند، (کوس لمن الملکی  
به بوق قلندری، عزت سلطنتی به ذلت رعیتی) مبدل می‌شود. اگر اعلیحضرت پادشاه را  
تقرب و خاندان او را به پیشخدمتی بیگانه شرف و افتخار است، لیکن ما ملت را از رعیتی  
و تسلط خارجه نهایت ننگ و عار است. حمیت ملیت باعث حفظ سلطنت این خانواده  
است. والا باغ مشروطیت که از دو ماه قبل آب نیاشامیده، به نهایت تشنه شده، وقت آنست  
که به توسط باغبان فدایی غیبی شاداب و سیراب شده، گلها و ریاحین در باغ مشروطیت



شکفته شود؛ یا طبیب حاذق غیبی عضو شفاقلوس را قطع کند تا باقی اعضا از آن مرض سالم بماند.

همان به از گفتن لب ببندم، به این رباعی اکتفا نمایم:

ظالم ز ستم همیشه لات آمده است      رخ رفته پیاده با ثبات آمده است  
مشروطه طلب به اسب و پیلست سوار      چون کشته وزیر، شاه مات آمده است...»  
(روح‌القدس، شماره ۱۳، ص ۲ و ۳)

## ۲. انتقاد از رئیس الوزراء (میرزا علی اصغر خان اتابک)

یکی از مهم‌ترین افرادی که روح‌القدس همواره کارهای او را در روزنامه بازگو می‌کرد، میرزا علی اصغر خان اتابک بود که روح‌القدس به او لقب رئیس‌الخائنین داده بود. پس از کنار رفتن میرزا سلطان‌علی خان وزیرافخم، رئیس‌الوزرای نخستین کابینه قانونی دوره مشروطیت، اطرافیان محمدعلی شاه که تمایلات روسی داشتند وی را وادار کردند که میرزا علی اصغر خان اتابک را که در آن زمان در اروپا بود، به ریاست وزراء منصوب کند. اتابک، که در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه نیز صدراعظم بود و با خیانت‌های خود، ایران را چپاول کرده بود، بعد از اینکه در زمان محمدعلی شاه مجدداً به سمت رئیس‌الوزرای منصوب می‌شود. باین اقدامی که انجام می‌دهد، تهیه مقدمات استقراض جدیدی در حدود ۴۰۰ هزار لیره انگلیسی از روسیه و واگذاری امتیازات اقتصادی بیشتری به آن دولت بود که با واکنش شدید و کلاهی مجلس و آزادی خواهان مواجه می‌شود، به طوری که یحیی میرزا که یکی از جوان‌های آزادی خواه و با حرارت بود، در نطقی که در میدان بهارستان ایراد کرد او را خائن به وطن خواند و از طرف انجمن آذربایجان، که ریاستش با سیدحسن تقی‌زاده بود و دارای اعضای متعصب و مشروطه خواه بود، اعتراضات شدیدی نسبت به وی شد و او را مستبد و بدخواه ملت خواندند (ملک‌زاده، ۱۳۸۳، ج ۳، صص ۴۶۴ و ۴۶۵).

روح‌القدس نیز در مقابل قضیه استقراض، واکنش شدیدی نشان می‌دهد و در مقاله‌ای با عنوان «خطاب به مستبدین» خیانت‌های رئیس‌الوزراء و امنای دولت را به شخص محمدعلی شاه تذکر می‌دهد که متن کامل این مقاله در زیر عنوان شاه و دربار در صفحات قبل آمده است. در مقاله دیگری، روح‌القدس، از قول یکی از جراید، مملکت ایران را به بیماری تشبیه می‌کند که طبیب او شخص اتابک می‌باشد و بدین وسیله اقدامات وی را چنین مورد انتقاد قرار می‌دهد: «... بر همه کس واضح است که هرگاه تقصیری از هیئت سر بزند منسوب به رئیس آن هیئت خواهد بود زیرا که... تا چند سال قبل اگر از وزراء حرکت خلافی صادر می‌شد چون اعتراض و پرتست به آنها می‌کردند جواب می‌دادند ما مقهور و مأمور شخص اتابک

یا صدراعظم هستیم پس محققاً تاکنون تمام خرابی‌های ملت و دولت از جناب اتابک یا صدراعظم ناشی می‌شده... بنا به قول یکی از ارباب جراند، مملکت مریض و بیمار است امروزه طبیب حاذق او جناب اتابک می‌باشد، بسیار خوب ما هم وجود این طبیب را از خدا می‌خواستیم لکن متحیریم چرا تا این طبیب به‌بالین این مریض نیامده بود حالت مریض رو به‌بهبودی گذاشته نزدیک بود از مرض نجات یابد اما از زمانیکه این طبیب به‌سر این مریض آمد، حال مریض دگرگون شد و روز به‌روز مرض در تمام بدنش سرایت کرد و نزدیک شده روح از تن مریض مفارقت کند اما خدا نمی‌خواهد، از زمانیکه کلمه (عفی الله عما سلف) در السنه و افواه مخصوصاً ساری و جاری شد حقوق سی‌ساله ملت پایمال گردید و خیانت‌ها در آب زمزم شسته گشت...» (روزنامه روح‌القدس، شماره ۲، ص ۲)

روح‌القدس، در سر مقاله دیگری با عنوان «کارخانه نو ظهور یا هیئت وزراء» مجدداً به‌عدم لیاقت شخص اتابک و سایر وزراء کابینه او می‌پردازد و چنین می‌نویسد:

«... از زمان سلطنت ناصرالدین شاه عده معینی به‌لیاقت یا عدم لیاقت جهت وزارت ایران معین شده‌اند در این مدت زمان به‌هر وسیله امین‌السلطان یا معاون‌السلطان شده حقوق و اموال مردم را دزدیده تحصیل پارک و کالسکه و مبل اطاق برای خود و اعقابشان کرده و اسامی شان را در دفتر وزراء ثبت نموده‌اند- این زمان که او ان خلاصی ملت و دوره انقراض مستبدین است باز همان عده معین که سالها دزدان دولت و گرگان ملت بوده‌اند به‌آب زمزم غسل کرده با مایه [عفی الله عما سلف] احرام بند دربار دزاشوب شدند به‌شفاعت وجه و جیه مثل دو هزار امین‌السلطانی رو سفید (المشکور سعیم) مانند طفل تازه تولد از گناه پاک گشته (المقبول حجهم) مورد توجه رؤسای امت و محل نظر وکلای ملت گردیده- گاهی یکی وزیر داخله می‌شود- و زمانی همان شخص وزیر تجارت یا مالیه می‌گردد- پس از مدتی وزیر مالیه به‌رتبه وزارت خارجه یا جنگ می‌رسد- هنوز عهدش به‌پایان نرسیده که خلعت وزیر علوم یا فواید یا عدلیه را می‌پوشد- هر یک از این هشت وزیر ملتفت نمی‌شوند به‌چه درجه‌ای رسیده‌اند که منتقل به‌درجه دیگر می‌گردند...» (روزنامه روح‌القدس، شماره ۱۲، ص ۲)

### دهخدا و روزنامه روح‌القدس

آنچه کار دهخدا را در عرصه روزنامه‌نگاری از کار روزنامه‌نگاران دیگر هم عصر او متمایز می‌کند این است که دهخدا آگاه به‌شیوه روزنامه‌نگاری خویش است. از همین روست که هیچ‌گاه در فراخور حال امیر و وزیر قلم بر کاغذ نمی‌نهد و راه مردم را برمی‌گزیند. دهخدا، همواره تلاش می‌کند که افکار عامه، به‌خصوص طبقه عوام را با روزنامه آشنا کند و بهترین راه



را در این روند، انتخاب زبان خود مردم می‌داند. از این رو، عنوان ساده «دخو» را برمی‌گزیند و نوشته‌های خود را زیر عنوان «چرند و پرند» عرضه می‌کند. چرا که می‌داند هر پیرمرد و پیرزن دهاتی - چه برسد به شهری - با این کلمات آشناست و به دنبال آن می‌رود.

روزی که میرزا قاسم‌خان تبریزی و میرزا جهانگیرخان شیرازی دست به انتشار روزنامه صوراسرافیل می‌زنند، دنبال دبیری می‌گردند که مطالب روزنامه آنها را بنویسد. سیدحسن تقی‌زاده در این باره نوشته است:

«در اوایل سال ۱۳۲۵ هجری قمری، مرحوم میرزا قاسم‌خان تبریزی (که بعدها صوراسرافیل شد) که در دستگاه مظفرالدین‌شاه در جزو اداره امین حضور بود، چون در حوزه مشروططلبان در آمده بود به خیال تأسیس یک روزنامه با سرمایه خود بر آمد. مشارالیه که اینجانب او را از ایام صبی می‌شناختم و هم‌درس بودیم روزی پیش من آمد و اظهار میل به نشر روزنامه نموده با من مشورت کرد و گفت یک جوانی هست که چیزنویس است. ولی نمی‌دانم نویسندگی او تا چه اندازه است و می‌خواهم بدهم چیزی به‌طور نمونه بنویسد و به‌شما نشان بدهم و اگر پسندیدید خود او را پیش شما بیاورم تا ببینید و گفت خیال دارم که اگر مطابق مطلوب شد، ماهی چهل تومان به‌او بدهم که از کار فعلی خود صرف‌نظر نموده به اداره روزنامه بیاید. من پس از دیدن نمونه تحریر خیلی پسندیدم و میرزا قاسم‌خان را که به‌معیت مرحوم میرزا جهانگیرخان شیرازی عازم نشر روزنامه بود به‌استخدام میرزا علی‌اکبرخان تشویق نمودم و بدین ترتیب روزنامه صوراسرافیل به‌مدیریت صاحب امتیازی مرحوم میرزا جهانگیرخان و مدیریت مشترک میرزا قاسم‌خان و منشی‌گری میرزا علی‌اکبرخان انتشار یافت.»

میرزا علی‌اکبرخان دهخدا، هنگامی که مدیریت صوراسرافیل را داشت با روزنامه روح‌القدس نیز همکاری می‌کرد و برخی مقاله‌های روح‌القدس را بی‌نام می‌نوشت. در کشاکش مشروطه و به‌توب بستن مجلس و دستگیر شدن میرزا جهانگیرخان به‌دست دژخیمان محمدعلی‌شاه، میرزا علی‌اکبرخان دهخدا به‌ناچار در سفارت انگلیس تحصن اختیار کرد، تا اینکه به‌همراه تقی‌زاده و تنی چند از راه رشت و بندرانزلی به‌ایالت قفقاز و باکو رفت و از آنجا عازم سوئیس شد و در شهر اوردئون سوئیس دو شماره از روزنامه روح‌القدس را به‌چاپ رسانید.

محمدصدرهاشمی در مورد نشر روح‌القدس توسط دهخدا نوشته است: «روزنامه روح‌القدس در سوئیس به‌مدیری (میرزا علی‌اکبرخان دهخدا) تأسیس و منتشر شده است. پس از انقلاب ۱۳۲۶ و فرار آزادی‌خواهان به‌خارج ایران، منجمله از این فراریان آقای دهخدا بود که سابقاً در جراید صوراسرافیل مقالاتی با عنوان «چرند و پرند» منتشر می‌ساخت و به‌علاوه، دبیری روزنامه روح‌القدس (تهران) برعهده او بود. آقای دهخدا پس

از رسیدن به کشور سوئیس دو شماره روزنامه روح‌القدس را آنجا منتشر نمود. میرزا علی‌اکبر خان دهخدا، پس از ورود به پاریس روانه شهر اوردئون (سوئیس) می‌شود و در تاریخ غره محرم الحرام ۱۳۲۷ / ۲۳ ژانویه ۱۹۰۹ اولین شماره روزنامه صوراسرافیل چاپ پاریس را منتشر می‌کند. آنچه مسلم است از تاریخ یاد شده تا ۱۵ صفر ۱۳۲۷، دهخدا سه شماره روزنامه صوراسرافیل را که هر شماره در هشت صفحه تدوین گردیده، منتشر کرده است و بنا به اسناد منتشره توسط ایرج افشار، مواد و مطالب شماره چهارم را نیز فراهم کرده بودند که به چاپ رسانند ولی ظاهراً در اثر مشکلاتی که به وجود آمده موفق به چاپ و انتشار آن نشده‌اند.

شماره «با» دوره دوم روزنامه روح‌القدس، در تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۲۷ در اوردئون سوئیس منتشر شده است و با توجه به این تاریخ انتشار که در پایان صفحه دوم درج شده است معلوم می‌شود که این شماره روح‌القدس درست ۹ روز پس از انتشار سومین شماره صوراسرافیل انتشار یافته است.

آنچه در سرلوحه این شماره روح‌القدس آمده درست سرلوحه اولین شماره روزنامه روح‌القدس تهران است که در تاریخ دوشنبه ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری در تهران انتشار یافته است. ظاهراً شماره «با» دوره «با» روح‌القدس تهران در اختیار دهخدا بوده که از گراور اولین شماره استفاده کرده و تنها تغییری که در سرلوحه شماره «با» دوره دوم داده شده این است که در جایی که نوشته شده «اداره و محل توزیع: کتابخانه شرافت» این عنوان حذف شده و نوشته شده: «دبیر و نگارنده: میرزا علی‌اکبر خان قزوینی»

همچنین، در این شماره علاوه بر تصویر دو فرشته در بالای عنوان روزنامه در سمت راست و چپ عنوان «روح‌القدس» شاهد اضافه شدن تصویر شیر و خورشید در سرلوحه هستیم. لازم به ذکر است که قطع و اندازه شماره «با» دوره دوم به همان اندازه شماره‌های منتشره در تهران بوده است (گلبن، ۱۳۶۳، صص ۱۹-۲۲).

پرتال جامع علوم انسانی

## یافته‌های پژوهش

جدول ۱

توزیع فراوانی بر اساس مجموع سرمقاله‌ها و مقاله‌ها (درصد)

درصد	فراوانی	مجموع سرمقاله‌ها و مقاله‌ها
۳۰/۲۳	۱۳	سرمقاله
۶۹/۷۷	۳۰	مقاله
۱۰۰	۴۳	جمع کل

در پاسخ به پرسش نخست، با توجه به جدول ۲ می‌توان گفت از مجموع ۴۳ سرمقاله و مقاله درج شده در روزنامه روح‌القدس، بیشترین فراوانی یعنی ۲۹ مورد (۶۷/۴۴ درصد) از مطالب سرمقاله‌ها و مقاله‌های روح‌القدس، جنبه انتقادی داشته است و مطالبی که جنبه غیرانتقادی داشته‌اند، کمترین میزان فراوانی را با ۱۴ مورد (۳۲/۵۶ درصد) به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲

توزیع فراوانی بر اساس مجموع سرمقاله‌ها و مقاله‌های انتقادی و غیرانتقادی (درصد)

درصد	فراوانی	مجموع سرمقاله‌ها و مقاله‌ها
۶۷/۴۴	۲۹	جنبه انتقادی
۳۲/۵۶	۱۴	جنبه غیرانتقادی
۱۰۰	۴۳	جمع کل

در پاسخ به پرسش دوم، با توجه به جدول ۳ می‌توان گفت که نقد نظام سیاسی، بیش از سایر موارد، هدف مورد بحث روزنامه بوده است، به گونه‌ای که ۵۳/۸۵ درصد از سرمقاله‌ها و ۷۳/۳۳ درصد از مقاله‌های روزنامه، ساختار اهدافشان مربوط به نقد نظام سیاسی بوده و گزینه توصیه و آگاهی افکار عمومی در رتبه بعدی قرار گرفته است.

جدول ۳

ساختار اهداف مطالب روح‌القدس به تفکیک سرمقاله‌ها و مقاله‌ها و مقاله

درصد	سرمقاله‌ها		ساختار اهداف مطالب روح‌القدس
	فراوانی	درصد	
۷۳/۳۳	۲۲	۵۳/۸۵	نقد نظام سیاسی
-----	-----	۱۵/۲۹	ایجاد حالت مشارکت
۲۶/۶۷	۸	۳۰/۷۶	توصیه و آگاهی افکار عمومی
۱۰۰	۳۰	۱۰۰	جمع کل

جدول ۳ برای پاسخ به پرسش سوم تهیه شده است و به منظور بهتر نشان دادن میزان و نحوه انعکاس جهت انتقادی مطالب، دو جدول ۳ و ۴ جدا از هم برای سرمقاله‌ها





و مقاله‌های روزنامه در نظر گرفته شده است. بنابراین، با توجه به جدول ۴ که مربوط به سرمقاله‌ها می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که جهت انتقادی سرمقاله‌های روزنامه، بیشتر شامل وزراء و به‌خصوص شخص میرزا علی‌اصغر خان اتابک (رئیس الوزراء) می‌باشد و انتقاد از شخص شاه و درباریان و بیگانگان در رده‌های بعدی قرار دارد.

ردیف	جهت انتقادی سرمقاله‌های روح‌القدس	فراوانی	درصد
۱	شخص شاه	۱	۱۴/۳
۲	وزراء	۴	۵۷/۱
۳	وزراء- درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۱	۱۴/۳
۴	بیگانگان	۱	۱۴/۳
	جمع کل	۷	۱۰۰

#### جدول ۴

جهت انتقادی سرمقاله‌های روح‌القدس

ولی در جدول ۵ که مربوط به مقاله‌های روزنامه می‌باشد، از مجموع ۲۲ مقاله انتقادی چاپ شده در روزنامه روح‌القدس، تعداد ۱۱ مورد (۵۰ درصد) از مقاله‌ها مربوط به انتقاد از درباریان و عوامل وابسته به استبداد است و انتقاد از شخص شاه و وزراء در رده‌های بعدی قرار دارند.

ردیف	جهت انتقادی مقاله‌های روح‌القدس	فراوانی	درصد
۱	شخص شاه	۳	۱۳/۶
۲	وزراء	۳	۱۳/۶
۳	درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۱۱	۵۰
۴	وزراء- درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۳	۱۳/۶
۵	شاه- وزراء- درباریان و عوامل وابسته به استبداد	۲	۹/۲
	جمع کل	۲۲	۱۰۰

#### جدول ۵

جهت انتقادی مقاله‌های روح‌القدس

### نتیجه‌گیری

بررسی کلی محتوای روزنامه روح‌القدس نشان می‌دهد که از مجموع ۴۳ سرمقاله و مقاله چاپ شده در این روزنامه، تعداد ۲۹ سرمقاله و مقاله، جنبه انتقادی داشته است. به عبارت دیگر، ۶۷/۴۴ درصد از مطالب (سرمقاله و مقاله) روزنامه، انتقادی بوده است که عمده



محورهای انتقادی روزنامه، پیرامون سه موضوع اساسی انتقاد از محمدعلی شاه- وزراء و به‌خصوص میرزا علی اصغر خان آتابک درباریان و عوامل وابسته به استبداد بوده است. همچنین، فقط نگاهی به عناوین سرمقاله و مقاله‌های روزنامه نشان می‌دهد که سیر مباحث انتقادی به سمت شاه، وزراء و عوامل وابسته به استبداد بوده است: خطاب به مستبدین، کارخانه نوظهور یا هیئت وزراء، نطق غیبی یا اشاره لاریبی، بیان حقیقت، غفلت تاکی، تقسیم استبداد یا تجزیه سلطنت، احقاق حق، افسوس بر بستگی و شکستگی قلم، جزای خائن، انقلاب حقیقت یا انعکاس احوال.

اینها عناوین تعدادی از سرمقاله‌ها و مقاله‌های روح‌القدس است که بدون خوانش متن آنها، از روی خواندن فقط عناوین آنها می‌توان به دیدگاه‌های انتقادی روح‌القدس نسبت به مستبدان و عوامل وابسته به استبداد در مملکت ایران در دوره مشروطیت پی برد.

روح‌القدس در نقل اخبار و چاپ مقالات، واقعیت‌های جامعه و مصالح کشور را همراه با کاستی‌های هر فرد و هر گروه و انجمن، بی‌پروا اما صادقانه و به درستی دنبال می‌کرد. تأکید بر نقش سازنده این روزنامه در پیشبرد اهداف مترقیانه انقلاب مشروطیت و آگاهی مردم در شناخت و دفاع از حقوق انسانی و ملی خود، هنگامی بیشتر می‌شود که اعتقاد راستین مدیر روزنامه را در مبارزه با محمد علی شاه و عوامل وابسته به استبداد مورد توجه قرار دهیم، تاجایی که این ایستادگی و ایمان، منجر به جنگ رویاروی او با قزاق‌های محمدعلی شاهی و تفنگ به دست گرفتن و دفاع از مجلس و آزادی شد. سرنوشت ناگوار او در بند و شکنجه، نمایانگر میزان نفرت و کینه نظام استبداد، از وجود چنین روزنامه‌نگار آزادیخواهی بوده است.

### منبع

- بدیعی، نعیم (۱۳۷۷، بهار). تحلیل محتوای مطالب ۱۰ روزنامه تهران، رسانه، ۱)۹، ۲۲-۳۳.
- بروجردی علوی، مهدخت (۱۳۷۹). *مطبوعات، روشنفکران و جامعه- بررسی نقش عوامل سیاسی، اجتماعی در حضور نخبگان در مطبوعات*. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹). *تابستان*. غیر سازی در نشریات حزبی. رسانه، ۱۱)۲، ۲۲-۳۳.
- تیموری، الهه (۸۱-۱۳۸۰). *بررسی تحلیل محتوای پوشش رسانه‌ای بحران افغانستان در روزنامه‌های جمهوری اسلامی، حیات نو، کیهان، نوروز*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- حاجیلری، عبدالرضا (۱۳۷۶). *بررسی تطبیقی ارزش‌های اجتماعی مردم ایران در مطبوعات ایران در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۵*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- روزنامه روح‌القدس، شماره‌های ۱، ۲، ۱۰، ۱۲، ۱۳.

صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳). *تاریخ جرائد و مجلات ایران*. (ج ۲). اصفهان: کمال فدائی، غلامرضا (۱۳۸۷ زمستان). *روزنامه مجلس*، اولین روزنامه ملی دوران مشروطیت. *گنجینه اسناد*، ۱۸(۴)، ۳۵-۵۰.

قاضی زاده، علی اکبر (۱۳۷۹). *جان باختگان روزنامه نگار*. تهران: جامعه ایرانیان کهن، گوئل (۱۳۶۲). *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران* (ج ۲). *از صدور فرمان مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی*. تهران: آگاه.

گلبن، محمد (۱۳۶۳). *مجموعه روزنامه روح القدس*. تهران: نشر چشمه.  
محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵). *بررسی مقایسه‌ای ارزشهای القاسمه در سرمقاله‌های روزنامه‌های مشروطیت و روزنامه‌های ابتدای انقلاب اسلامی*. رساله دکتری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.  
ملک زاده، مهدی (۱۳۸۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران* (ج ۳). تهران: سخن.

